

عنوان مقاله:

بازتاب نمودهای اسطوره ای درخت ویسپوبیش در پندار مولوی از خرد

محل انتشار:

دوفصلنامه پژوهشنامه فرهنگ و ادبیات آیینی، دوره 1، شماره 2 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 16

نویسنده:

سعید شهریوی - دکتری زبان و ادبیات فارسی

خلاصه مقاله:

در این نوشتار با روش توصیفی تحلیلی و با سنجش همانندی های داستان گسیل کردن پادشاه، فرستاده ای را به هند برای یافتن درختی که دورکننده مرگ و پیری است با درخت ویسپوبیش یا همه تخمه و خویشکاری های سیمرغ در حماسه ملی، نشانه هایی از پیوند پندار و اندیشه مولوی با بنیان های اندیشگانی اسطوره ای، فرادید نهاده شده است. آنچه از این بررسی به دست آمد بدین گونه است که اگرچه داستان فرستادن کسی به هندوستان برای یافتن گیاه یا درختی ویژه و درمان بخش، پیش از مثنوی در آثار دیگری بویژه شاهنامه و کلیله و دمنه بازگو شده، ویژگی هایی که مولوی برای درخت درمانگر و چستی و توانایی های خرد بازگو می کند، یادآور داستان و شخصیت سیمرغ است که بر فراز درخت ویسپوبیش در دریای فراخکرد جای دارد. همچنان که درخت همه تخمه در اسطوره، درمانگر دردها و دور کننده مرگ است، درختی که در سخن مولوی از آن سخن می رود، دورکننده ناآگاهی و نادانی دیگر نمودهای مرگ است. اگر فرستاده پادشاه برای یافتن درخت، به هندوستان رهسپار می شود، درخت اسطوره ای نیز در هندوستان است. دریای محیط در سخن مولوی بازتابی از دریای فراخکرد اسطوره ای می تواند بود و افزون بر این، مولوی در سخن عرفانی خود، برخی ویژگی های سیمرغ اسطوره ای همچون «دانایی» و «توانایی در بلندپروازی» را به جبرئیل چونان نماینده دانایی و عقل فعال که پر دارد و بلند پرواز است نیز داده است.

کلمات کلیدی:

مولوی، خرد، درخت ویسپوبیش، درخت دانش، سیمرغ، اسطوره، عرفان

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1628609>

